

در اول مامه امسال، همبستگی، قدرت سازماندهی و شعارهای بسیج کننده را باید به نمایش گذاشت.

فرهاد شعبانی

در آستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگر قرار داریم. در این روزها مقالات، مطالب و اطلاعیه های چشمگیری که نشان از اهمیت و عظمت این روز است، بر سایتهای اینترنتی مشاهده می شود.

اما نکته مهم و قابل تعمق اینجاست. در این روزها چه پرسشی باید به مشغله ذهنی و مبنائی برای فعالیت عملی یک فعال و پیشرو جنبش کارگری ایران تبدیل شود؟

به باور من این پرسش باید در دستور کار فعالین جنبش کارگری قرار گیرد و به آن پاسخ بدهند: با توجه موقعیت جنبش کارگری از نقطه نظر توانائیها، پیشرویها، امکانات، ظرفیت بسیج نیرو، موقعیت بین المللی، ارزیابی از ظرفیت حامیان و فعالین جنبش در خارج از مرزهای ایران در ایجاد چتری حمایتی و همچنین ارزیابی از ظرفیت و توانیهای رژیم از نقطه نظر داخلی و بین المللی و بطور کلی توازن قوا، چگونه ؟ به چه شکلی ؟ و با چه شعارهایی در اول ماه مه ظاهر شویم.

واقعیت این است که در روز اول ماه مه، علی رغم میل بورژوازی در سطح داخلی و بین المللی، رسانه های گروهی نوشتاری و تصویری عطف توجه بیشتری به این نمایش قدرت طبقاتی نشان خواهند داد؛ تا جائیکه در بسیاری از کشورها آمار پلیس از شمار شرکت کنندگان در رژه اول ماه مه در مطبوعات به چاپ می رسد و میزان آن واکنش های متفاوت بر می انگیزد.

بنابراین، این روز تنها فرصتی برای گرامیداشت یاد و خاطره قربانیان اعتصاب و اعتراضات شهر شیکاگو در روزهای اول تا چهارم ماه مه، بخصوص روز چهارم مه سال ۱۸۸۶ میلادی در "های مارکت" برای کاهش ساعات کار و بهبود شرایط آن نیست، بلکه نمایش قدرت جهانی و کشوری طبقه کارگر و میدانی برای طرح شعارهای محوری امروز این طبقه نیز هست.

در این روز بیشتر از هر روز دیگر سال، خواست ها و مطالبات کارگری از عمق به سطح و در مقابل همگان قرار می گیرد. این روز یکی از میدانهای اصلی نمایش قدرت است.

فعالین و پیشروان جنبش کارگری در ایران بدون تردید باید به این مهم بیاندیشند که روز اول ماه مه روز نمایش وحدت و همبستگی طبقاتی، روز نمایش درجه و میزان سازمانیابی، و قدرت بسیج ما برای پیگیری شعارها و خواستهای طبقه کارگر است.

برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه باید رابطه و وزنی متناسب با درجه پیشروها، ظرفیتهای و بیانگر تمایل ما در تبدیل شدن به جریان و جنبشی موثر در تصمیم گیریها و تحولات اجتماعی در جامعه ایران باشد.

در کشور ایران که دیکتاتوری حاکم بر آن حتی از بردن نام اول ماه مه وحشت دارد و کابوس این روز همانند شبی بر سرش در پرواز دائمی است و از خود هرگونه ظرفیت جنایتکارانه ای برای سرکوب مبارزات کارگران را نشان داده است، تنها نمایش قدرت است که حرف آخر را می زند.

از اینرو برای موفقیت در این نمایش قدرت سه خصوصیتی (نمایش همبستگی، درجه سازمانیابی و قدرت بسیج) باید شعارهایی را سر داد که منافع وسیعترین بخشهای طبقه کارگر ایران را نمایندگی کند و آنها را به میدان بکشد.

- آزادی و ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، و حق اعتصاب.
- تعیین نرخ دستمزدها توسط نمایندگان مستقل کارگران.
- بیمه بیکاری معادل دستمزد کامل.
- پرداخت کلیه حقوقهای معوقه و پرداخت بموقع دستمزدها.
- پایان دادن به استخدام کارگران بر پایه قراردادهای موقت و سفید امضاء.
- آزادی کلیه کارگران و پیشروان جنبش کارگری از زندان.

- همبستگی با جنبش دانشجویی و جنبش زنان.
- جلب حمایت بین المللی از جنبش کارگری ایران.

تنها بخشی از آن شعارهایی هستند که دربرگیرنده منافع اکثریت کارگران ایران و می توانند بسیج کننده وسیعترین توده های طبقه کارگر در روز اول ماه مه امسال باشند.

**زنده و گرامی باد اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی
کارگران.**